



پیشگیری اجتماعی از جرائم مالی مؤسسات اعتباری

جلال الدین قیاسی^{۱*}

محمدرضا فرهمند^۲

چکیده

با توجه به نقش اساسی تخلفات و جرائم مؤسسات اعتباری، حاکمیت‌ها با حساسیت ویژه، قاعده‌گذاری دقیق و طراحی ضمانت اجرایی کیفری و نیز تدابیر غیرکیفری، به صیانت از هنجارهای این عرصه اقدام می‌نمایند. در کشور ما با توجه به ضعف زیرساخت‌های تقنینی، تعدد نهادهای صادرکننده مجوزهای بانکی، کم‌تجربگی نهادهای ذی‌مدخل در مدیریت این پدیده مجرمانه و ضعف تبحر و تخصص نهاد ناظر پولی در مراحل ابتدائی تکوین عملیات مجرمانه مؤسسات موصوف، منجر به شکل‌گیری بحران مؤسسات اعتباری در کشور گردید که با تشکیل تجمعات سپرده‌گذاران مقابل نهادهای حاکمیتی و دخالت رسانه‌های معاند به معضل امنیت ملی تبدیل و سرانجام با همکاری قوای سه‌گانه و با تخصیص خط اعتباری، تزریق پرقدرت بانک مرکزی و تحمیل تورم به اقشار مختلف جامعه، ساماندهی شد. ابعاد مختلف نقض هنجارهای قانونی توسط مؤسسات موصوف، موضوع مطالعات متعدد واقع شده است؛ لیکن با توجه به ضعف مطالعات در حوزه عوامل اجتماعی این پدیده مجرمانه و راهبردهای پیشگیری اجتماعی در این خصوص، نقش مدیریت رفتار شهروندان در مواجهه اصولی با این پدیده مجرمانه مغفول مانده و مورد مطالعه مستقلی واقع نشده است. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی با هدف تبیین نقش پیشگیری اجتماعی در مدیریت این پدیده مجرمانه، از طریق تحلیل سوابق امر و تشریح متون قانونی حاکم بر مبنای قواعد حقوقی بانکداری مرکزی و با استناد به داده‌های حاصل از علوم اجتماعی، جرم‌شناسی و اقتصاد رفتاری، توجه سیاست‌گذاران را به لزوم توجه به ریشه‌های رفتار شهروندان جلب نموده و لزوم تمرکز بر مدل‌های مهندسی انتخاب‌های اجتماعی در راستای پیشگیری اجتماع محور از جرائم پولی و بانکی را به‌عنوان راهکار اصولی در راستای تقویت این روش پیشگیری برگزیده است.

واژه‌های کلیدی: مؤسسات اعتباری، مجوزهای بانکی، پیشگیری اجتماع محور، جرائم پولی و بانکی.

طبقه‌بندی JEL: G21, G32 و H12.

۱. دانشیار، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)؛ jalalghiasi2991@qom.ac.ir

۲. دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه قم، قم، ایران؛ m.far86@yahoo.com

مقدمه

با توجه به ارتباط مستمر خدمات مؤسسات اعتباری با زندگی روزمره شهروندان و تأثیر هجوم بانکی سپرده‌گذاران به این مؤسسات بر اقتصاد کلان کشور، آثار سرایت‌کننده ورشکستگی یک مؤسسه اعتباری به سایر مؤسسات و احتمال آسیب دیدگی کل نظام اقتصادی، پیشگیری از جرائم مؤسسات موصوف با اولویت پیشگیری اجتماعی در دستور کار نظام‌های سیاست جنائی قرار می‌گیرد.

تبارشناسی رفتار شهروندان در مواجهه با مؤسسات متخلف حاکی از آن است که نوعاً با عدم شناخت از ماهیت و ذات انتفاعی مؤسسات اعتباری به‌عنوان نهادهای واسطه‌گر وجوه، با این تصور که با مراجعه به مؤسسات اعتباری، نقدینگی خود را به دولت قرض داده و در صورت بروز مشکل، دولت نسبت به سپرده‌گذاری ضامن خواهد بود، در این مؤسسات اقدام به سپرده‌گذاری می‌نمایند؛ این در حالی است که مؤسسات موصوف حتی از کارکردهای کلاسیک خود نیز تغییر جهت داده و به‌عنوان نهادهای ارائه‌دهنده محصولات پیچیده مالی به فعالیت مشغول می‌باشند.

تکرار عبارت‌های متضمن لزوم تقدم پیشگیری بر درمان در حوزه‌های مختلف از جمله حوزه علوم کیفری علوم اجتماعی به‌قدری است که به‌حد تواتر رسیده و تردیدی در صدق و صحت این گزاره وجود ندارد. جامعه‌ای که اصول پیشگیری از جرم را به‌رسمیت نشناسد و دولت‌هایی که ادبیات ناظر بر پیشگیری از جرم را به‌متون قانونی خود وارد نسازند، سزاوار تکرار پدیده‌های مجرمانه و تعدد افعال تبهکارانه می‌باشند. پیشگیری از جرائم در حوزه‌های مختلف، حائز اهمیت می‌باشد.

از سوی دیگر، پیشگیری از جرائم اقتصادی به‌دلیل ماهیت پیچیده و ضریب هوشی بالای مرتکبین آن جایگاه ویژه‌ای دارد. در میان جرائم اقتصادی نیز جرائم ارتكابی توسط مؤسسات اعتباری با توجه به حاکمیت فرهنگ مجرمانه در برخی از این مؤسسات، ماهیت خاصی داشته و وجود امکانات لازم برای ارتكاب جرم در این مؤسسات، تجمیع زر و زور و تزویر در برخی از آن‌ها و نهادینه شدن مؤلفه‌های مجرمانه در ساختار حقوقی آن‌ها به‌میزانی است که بخش زیادی از توان نظام قضائی را به خود معطوف داشته است؛ با این توضیح که بخش عمده‌ای از وضعیت موصوف ناشی از فرسودگی زیرساخت‌های تقنینی در کشور بوده است (فرهمند و حاجی ده‌آبادی، ۱۴۰۳).

لذا، پیش‌بینی حرکت آینده این قبیل مؤسسات و در نتیجه پیشگیری از آن جز با برنامه‌ریزی دقیق و بهره‌مندی از ابزارهای فناورانه و استفاده از محصولات علوم جنائی و دستاوردهای سایر نظام‌های سیاست جنائی میسر نخواهد بود.

در نظام حقوقی ایران وفق ماده قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴/۶/۲۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام، جلوگیری از رخداد مجرمانه در قالب بررسی ریسک و تدابیر اصلاحی، پیش‌بینی شده است. مرتکبین جرائم و تخلفات بانکی عمدتاً در طیف مجرمین یقه سفید قرار می‌گیرند؛ آنان دارای ضریب نفوذ بالای اقتصادی و سیاسی و دارای وضع خوب ظاهری هستند (سلیمی، ۱۳۸۷). برخلاف جرائم عادی یا جرائم خیابانی در حوزه کنترل جرائم اقتصادی دو نظام سنتی و رسمی وجود دارد؛ نظام عدالت کیفری رسمی و نظام تنظیم‌گری اقتصادی. نظام تنظیم‌گری اقتصادی بر حقوق اداری و ابزارهای مختلفی از جمله مجازات‌های مالی، مرجوع کردن کالاها و هشدار دهی تأکید دارد (قورچی بیگی و نیاز پور، ۱۳۹۷). براین اساس و نظر به اینکه طبق اصل ۱۵۶ قانون اساسی وظیفه پیشگیری از جرم بر عهده قوه قضائیه می‌باشد، لذا نقش پیشگیری اجتماعی در خاموش کردن موتورهای مولد کزروی‌های مؤسسات اعتباری نقشی حائز اهمیت است. در این مقاله با تبیین مؤلفه‌های پیشگیری اجتماعی از جرائم مالی مؤسسات اعتباری مهمترین راهکارهای این نوع پیشگیری را مورد بحث قرار خواهیم داد.

مؤلفه‌های پیشگیری اجتماعی از جرائم مالی مؤسسات اعتباری

تبیین سازوکار پیشگیری از تخلفات مؤسسات اعتباری یکی از دغدغه‌های جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان است. این جرائم از منظر گوناگون قابلیت بررسی دارند. ریشه‌های این رفتار نامطلوب در مؤلفه‌های اقتصادی است (ابراهیمی، ۱۳۸۶). هرچند، مستنداً به قانون اساسی تکلیف پیشگیری به طور اصولی به نظام قضا تفویض شده، لیکن حجم جرائم و میزان پرونده‌های ورودی به نظام قضائی واقعیاتی است که جرم‌شناسان را برآن داشته که این امر در عمل جز با همکاری قوای سه‌گانه محقق نمی‌گردد (صبحدل، ۱۳۹۶). بر همین اساس مهیا ساختن بسترهای اجتماعی جهت مدیریت این پدیده مجرمانه براساس تمهید زیر ساخت‌های تقنینی لازم امری ضروری است.

پیشگیری اجتماع محور به‌دنبال ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی جرم است تا با تحقق عدالت اجتماعی از طرق مختلف بسترهای اجتماعی و فرهنگی بروز رفتار مجرمانه را بخشکند (قماشی و عارفی، ۱۳۹۶). جامعه‌پذیر شدن اشخاص و بازگشت مجرمین و پیوند مجدد آن‌ها با جامعه دغدغه این نوع پیشگیری است (شاطری پور اصفهانی و نجفی توانا، ۱۳۹۵). پیشگیری اجتماعی دارای دو رکن است؛ اول پیشگیری رشد مدار و دوم پیشگیری جامعه مدار. پیشگیری اولیه یا زودرس، با تمرکز بر کودکان و نوجوانان و انجام اقدامات تربیتی درصدد است تا از تبدیل آن‌ها به یک فرد جامعه ستیز

خودداری کند (حاجی ده‌آبادی و سلیمی، ۱۳۹۸). به عبارت دیگر، تشخیص سریع و مداخله فوری راهبرد این نوع پیشگیری است (قهرمانی افشار و همکاران، ۱۳۹۵). براساس این سازوکار، همکاری جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان در استقرار این سازوکار ضروری است.

ازسوی دیگر در ادبیات غنی دینی تأکید زیادی بر این نوع پیشگیری انجام شده است. برای نمونه بسیاری از فرمایشات معصومین از جمله امیرالمؤمنین علیهم السلام متضمن تبیین نحوه پاکسازی فردی و اجتماعی است. بسیاری از خطبه‌های نهج البلاغه که دربرگیرنده توصیه‌های متعدد به زمامداران و حاکمان است متضمن سازوکار پیشگیری اجتماعی است (تقی پور، ۱۳۹۳). علمای دین نیز با نهادینه‌سازی فرهنگ اصیل اسلامی و ترویج روحیه ایمان، توکل و تقوا و سایر مؤلفه‌های مذهبی در پاکسازی جامعه ایفای نقش می‌کنند (زمانی و بایار، ۱۳۹۱). در همین راستا، تعیین مدیران واجد استانداردهای فنی و اخلاقی لازم جهت تصدی سمت‌های مدیریتی در مؤسسات اعتباری از ضروریات پیشگیری از تخلفات پولی و بانکی است.

از منظر جرم‌شناسی در بدو پیدایش و قبل از حجیم شدن ساختار و پیش از گسترده شدن فعالیت‌های اقتصادی شخصیت‌های حقوقی و پیش از نهادینه شدن فرهنگ مجرمانه در بدنه این اشخاص با دریافت اولین نشانه‌های کژروی با ارائه مشاوره‌های پیشگیرانه از افتادن آن‌ها به ورطه اقدامات مجرمانه پیشگیری نمود؛ چراکه مؤسسات اعتباری پس از رسیدن به سطحی از گستردگی و حجم عملیات به قدری بزرگ می‌شوند که دولت‌ها هم از اعلام ورشکستگی آن‌ها با توجه به تبعات اقتصادی و امنیتی آن واهمه دارند و در اصطلاح فنی "بزرگتر از آن هستند که ورشکسته شوند". ازسوی دیگر و از منظر اجرای استانداردهای ناظر بر پیشگیری اجتماع محور نیز عدم مفاهیم پایه حقوق بانکی به نظام آموزشی کشور و عدم وجود ادبیات مشترک میان نهاد ناظر پولی با شهروندان و تبیین تبعات نامطلوب تصمیمات ناصحیح آنان در حوزه مدیریت نقدینگی شخصی از معضلات این عرصه است؛ این در حالی است که ایجاد بسترهای لازم در جهت تعامل بانک‌های مرکزی با شهروندان در سایر نظام‌های حقوق بانکی امری نهادینه محسوب می‌شود. برای نمونه مروین کینگ رئیس کل سابق بانک مرکزی انگلستان در کتاب خود تصریح می‌کند که خود شخصاً با مراجعه به مدارس این کشور به تشریح مفاهیم پولی و بانکی برای دانش‌آموزان می‌پرداخته است (حبیبی، ۱۳۹۷). لذا قبل از ورود به مباحث مزبور، تبیین مختصر ماهیت مؤسسات اعتباری و مفاهیم مرتبط با آن امری ضروری است.

تبیین مفاهیم بانک، مؤسسه اعتباری و مؤسسه پولی در ادبیات بانکداری مرکزی

در عرف بانکداری، عبارت "مؤسسه اعتباری" عنوان عامی است که برای بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی به کار می‌رود؛ به عبارت دیگر رابطه منطقی بین دو مفهوم بانک و مؤسسه اعتباری عموم و خصوص مطلق است؛ بدین توضیح که هر بانک یک مؤسسه اعتباری است ولی هر مؤسسه اعتباری، بانک نیست و ممکن است یک مؤسسه اعتباری غیر بانکی باشد. ماده ۲ دستورالعمل سرمایه‌گذاری مؤسسات اعتباری مصوب ۱۳۸۶ شورای پول و اعتبار نیز در تعریف مؤسسات اعتباری اعلام داشته "مؤسسه اعتباری، بانک یا مؤسسه اعتباری غیر بانکی است که تحت عناوین مذکور از بانک مرکزی مجوز دریافت نموده و تحت نظارت این بانک قرار دارد". عنوان عام مؤسسه پولی نیز در عرف بانکداری مرکزی به هر نهاد واسطه‌گر وجوه اعم از بانکها، مؤسسات اعتباری، صرافی‌ها و شرکت‌های واسپاری اطلاق می‌شود؛ به عبارت دیگر مؤسسه پولی، عام‌ترین مفهوم این حوزه محسوب می‌شود.

مروری بر تاریخچه صدور مجوز صندوق‌های قرض‌الحسنه در ایران

با توجه به سیر متفاوت تاریخچه صدور مجوز فعالیت مؤسسات اعتباری در کشور، بررسی مختصر سیر تحولات صدور مجوز صندوق‌های قرض‌الحسنه به‌عنوان یکی از مؤسسات اعتباری غیربانکی جهت تبیین عدم ثبات سیاست‌گذاری و آشفتگی حکمرانی و کم‌تجربگی نهادهای متولی در این عرصه، امری ضروری است. طبق ماده ۵۹ قانون بانکی و پولی کشور که هم‌زمان با تأسیس بانک مرکزی در سال ۱۳۳۹ به تصویب رسید مقرر شد انجام عملیات بانکی جز با مجوز شورای پول و اعتبار امکان نداشته باشد؛ لیکن تا قبل از تصویب قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱، شهربانی نسبت به صدور مجوز نهادهای مالی اقدام می‌نمود. پس از آن بانک مرکزی و شهربانی به‌صورت توأمان اقدام به صدور مجوز کردند. به تاریخ ۲۰ / ۱۱ / ۱۳۶۳ هیأت وزیران، صندوق‌های قرض‌الحسنه را تحت نظارت مشترک وزارت کشور و بانک مرکزی اعلام کرد.

در سال ۱۳۶۷ اساسنامه نمونه صندوق‌های موصوف تدوین شد و در مرداد ۱۳۶۹ شورای پول و اعتبار، مقررات کلی ناظر بر چگونگی فعالیت صندوق‌ها را در ۱۸ ماده تنظیم کرد که در آن آمده است صندوق قرض‌الحسنه مؤسسه‌ای اعتباری، غیربانکی و غیرتجاری است که براساس مقررات و ضوابط تعیین‌شده از سوی بانک مرکزی تشکیل می‌شود و مکلف به رعایت قوانین پولی و بانکی کشور است.

صندوق‌ها فقط مجاز به قبول سپرده و اعطای تسهیلات اعتباری به صورت قرض‌الحسنه هستند. صندوق‌ها به دریافت اعتبار از نظام بانکی مجاز نیستند. لیکن در سال ۱۳۷۰ با پیشنهاد وزارت کشور و با استناد به اینکه این صندوق‌ها مشغول امور عام‌المنفعه هستند هیأت دولت مصوب کرد که نظارت بانک مرکزی از صندوق‌ها برداشته شود. به این ترتیب، در تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۷۰ نظارت بانک مرکزی بر صندوق‌ها لغو و نیروی انتظامی مسئول صدور مجوز آن‌ها شد.

خلاء قانونی ایجاد شده در بازه زمانی سال ۱۳۷۰ تا سال ۱۳۸۱ موجب شد تا این صندوق‌ها رشدی بی‌اندازه یافته و برخی از این‌ها به سوء استفاده مالی بپردازند. در سال ۱۳۸۱ دولت با پی بردن به خطای راهبردی ارتكابی، نظارت بر صندوق‌ها را مجدداً به بانک مرکزی واگذار و در همان سال لایحه تنظیم بازار غیرمتشکل پولی را تنظیم نمود (احمدی امویی، ۱۳۹۶). اما در عمل به دلیل عدم تصویب آئین نامه اجرائی این قانون، اجرای آن تا سال ۱۳۸۸ عملی نشد.

سرانجام متعاقب استمرار بحران‌های بانکی و ادامه یافتن تجمعات مقابل نهادهای حاکمیتی، سیاست‌گذار به تدریج و ابتدا بدون درج ضمانت اجرا و در مراحل بعد و طی سنوات میانی دهه نود و نهایتاً در قانون جدید بانک مرکزی با طراحی اهرم‌های کیفری ضمن اعلام انحصار صدور مجوزهای بانکی و ملزم نمودن سایر نهادهای حاکمیتی به همکاری با این نهاد، هرچند دیر هنگام نسبت به ساماندهی زیرساخت‌های قانونی در این حوزه اقدام نمود.

تحلیل سیاست کیفری حاکم بر مؤسسات اعتباری

با استناد به ماده ۲ قانون مجازات اسلامی، هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده، جرم محسوب می‌شود. بر این اساس و با توجه به پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام حقوقی کشور و پایان دادن قانون‌گذار به اختلافات موجود در این زمینه، پذیرش مسئولیت کیفری این مؤسسات با توجه به تولد آن‌ها در قالب شرکت‌های سهامی، امری پذیرفته شده است. در حال حاضر، با استناد به قانون جدید بانک مرکزی (مصوب آذر ماه ۱۴۰۲)، بررسی تحلیلی نحوه طراحی ابزارهای کیفری به شرح مندرج در دو ماده ۲۳ و ۲۵ قانون مذکور مبین آن است که سیاست‌گذار در چارچوب اصل کیفی بودن جرائم و مجازات‌ها و کاستن از بار پرونده‌های ورودی به نظام رسمی عدالت کیفری در قوه قضائیه، دوگونه کیفر انتظامی برای متخلفین پیش‌بینی نموده است؛ اول سازوکار کیفری موضوع ماده ۲۳ که با اعلام بانک مرکزی توسط هیأت انتظامی

بانک‌ها فعال می‌شود و دوم اهرم کیفری موضوع ماده ۲۵ که به صورت مستقیم توسط بانک مرکزی فعال می‌گردد (فرهمند، ۱۴۰۳).

نکته مهم و وجه فارق اساسی میان قانون مزبور با قانون پولی و بانکی در این است که به موجب ماده ۴۴ قانون مزبور، بانک مرکزی صرفاً مجاز بود تخلف بانک‌ها از احکام همین قانون را به هیأت انتظامی منعکس نماید و بدین سان بانک مرکزی در برخورد با سرپیچی مؤسسات اعتباری از سایر احکام قانونی با محدودیت مواجه بود؛ لیکن به موجب قانون جدید به موجب نص صریح مندرج در فراز ابتدائی ماده ۲۳، بانک مرکزی اختیار برخورد قانونی با مؤسسات متخلف در خصوص نقض سایر هنجارهای قانونی و مقرراتی را نیز دارا خواهد بود.

لذا با توجه به صدق عناوین مجرمانه متعدد بر نقض هنجارهای قانونی توسط مؤسسات موصوف و لزوم توجه به ابعاد اجتماعی در مسیر مدیریت این پدیده مجرمانه، بررسی ساختار قانونی کشور از حیث تعیین انطباق آن‌ها با مؤلفه‌های مرتبط با پیشگیری اجتماعی و استفاده از ظرفیت‌های قانونی، جهت استقرار نظام پیشگیری اجتماعی به شرح آتی راهگشا خواهد بود.

عوام‌گرایی در فرآیند مدیریت جرائم مؤسسات اعتباری

بخشی از اشکالات اساسی در حوزه مدیریت جرائم پولی و بانکی، محصول عوام‌گرایی کیفری است. تصور ناصحیح عمومی از میزان و آمار جرائم اقتصادی یکی از عوامل پوپولیسم کیفری است که بر مبنای آن عکس‌العمل‌های احساسی به این جرائم نشان داده می‌شود (الهی‌منش و تقی‌زاده، ۱۳۹۷). فشارهای ناشی از عوام‌گرایی کیفری در حوزه جرائم مؤسسات اعتباری، باعث گردیده مجازات‌های تعیینی قانون‌گذار، ضمن دوری از هرگونه نهادهای ارفاقی به قدری سنگین باشد که مجال اجرا نیابد و قضات به دلیل عدم تناسب میان جرم و مجازات با تغییر عنوان مجرمانه از اخلال در نظام اقتصادی کشور به سایر عناوین مجرمانه سبک‌تر، به دنبال راه‌گریزی از این بی‌تناسبی هستند. خذلان ناشی از محکومیت کیفری برای اشخاص حقیقی به مراتب سنگین‌تر از اشخاص حقوقی است مضافاً اینکه بسیاری از مجازات‌ها از قبیل کیفرهای سالب آزادی برای شرکت‌ها فاقد قابلیت اجراست (نجفی، ۱۳۹۸).

نماد برجسته و واضح توجه صرف به برخورد توأم با شداد و غلاظ کیفری و عدم توجه به جنبه‌های پیشگیرانه در نظام حقوقی ایران عبارتست از قانون مجازات اخلال در نظام اقتصادی کشور، هرچند ریشه این برخورد قهرآمیز و پرخاشگری تقنینی را می‌توان در جولان شرکت‌های مضاربه‌ای در کشور و تبدیل شدن آن‌ها به بنگاه‌های واسطه‌گری نقدینگی در کشور طی دهه شصت

دانست؛ لیکن سراسیمگی قانون‌گذار در این قانون و عدم توجه به مؤلفه‌های پیشگیرانه و عدم انطباق با استانداردهای حقوق جزا رایحه عوام‌گرایی کیفری را به مشام می‌رساند. اتخاذ رویکرد عوام‌گرا منجر به انجام واکنش‌های سریع و غیرعلمی در نظام سیاست کیفری کشور گردیده و در برخی موارد منجر به نادیده گرفته شدن اصول حقوق کیفری خواهد شد (حسینی و اسمعیل‌زاده، ۱۳۹۳).

وفق ماده ۱ این قانون، یک‌سری اقدامات نظیر اخلال در سیستم اقتصادی کشور و سپرده‌گیری در هر قالب به شرح مندرج در بندهای آن جرم‌انگاری شود و طبق ماده ۲ همین قانون سلسله مجازات‌های شدیدی برای این اقدامات تعیین شده است.

بزه اخلال در نظام اقتصادی کشور که شامل اقداماتی در جهت برهم زدن جریان طبیعی اقتصادی در جامعه است، مشتمل بر اخلال در نظام پولی و ارزی و یا اخلال در نظام تولید و توزیع می‌باشد که در ماده ۱ قانون مزبور به آن پرداخته شده است. مواردی از قبیل جعل اسکناس، وارد و یا توزیع کردن آن، قاچاق عمده ارز و ضرب سکه قلب و یا خالهایی در امر تولید و توزیع در کشور، از جمله جرائم مختل‌کننده نظام اقتصادی در قانون بوده است.

تبصره ۲ ذیل همین ماده نیز با درج عنوان اشخاص حقوقی، تردیدهای آن زمان مربوط به تسری حکم نسبت به شرکت‌های مضاربه‌ای و مؤسسات اعتباری را زدوده است. لذا، با ملاحظه مفاد این قانون می‌توان گفت نوع نگرش سیاست‌گذار به کج‌روی اقتصادی خشونت‌بار و بدون اغماض است به نوعی که راه را بر هر نوع ارفاق بسته است؛ درحالی‌که ایجاد سازوکار افتراقی میان انواع جرائم اقتصادی امری علمی است (باوی و همکاران، ۱۳۹۹).

لذا، تحلیل این قانون از منظر پیشگیری اجتماعی حاکی از عدم توجه قانون‌گذار به ریشه‌های این جرائم است. بی‌ثمری این شداد و غلاظ و بی‌توجهی به تقابل با ریشه‌های اجتماعی این پدیده مجرمانه آن‌گاه رخ نشان داده که شرکت‌های مضاربه‌ای دهه ۶۰ دو باره در دهه ۹۰ و این بار در قالب مؤسسات اعتباری غیرمجاز در نظام اقتصادی کشور ظاهر شده و سیستم امنیتی و ساختار اقتصادی و نظام قضائی کشور را به چالش کشیدند.

تحلیل رفتار سپرده‌گذاران مؤسسات غیرمجاز از منظر بزه‌دیده‌شناسی

تبیین و تحلیل نقش بزه‌دیده در فرآیند ارتکاب جرم موضوع اصلی مطالعات حوزه بزه‌دیده‌شناسی است. درخصوص مؤسسات اعتباری غیرمجاز، تمرکز بر کژروی‌های مؤسسات و مدیران و سهام‌داران آن‌ها بوده و نقش طیفی از شهروندان به‌عنوان بزه‌دیدگان این جرم نه‌تنها از دید قانون‌گذار بلکه از دید محافل علمی نیز مغفول مانده است. این در حالی است که در صورت توجه سپرده‌گذاران به

هشدارهای متعدد نهادهای رسمی به جای تمرکز بر تبلیغات مؤسسات موصوف و عدم مراجعه مشتریان به مؤسسات فاقد مجوز اصولاً ارتکاب این جرم از سوی آنها محال می‌نمود.

از منظر ارتباط فرهنگ با سیاست جنائی توجه به این مطلب نیز، ضروری است که ساختار فرهنگی ما بدون توجه به تفاوت‌های فرهنگی با نظام‌های غربی و عربی و عبری، با سیل ترجمه کتب موفقیت و تبلیغ گسترده جهت نیل به آن، برگزاری کارگاه‌های آموزش روش‌های موفقیت و نیل به ثروت و تبلیغ و ترویج انواع روش‌های کسب ثروت و نهادینه‌سازی فرهنگ کاپیتالیسم و اخلاق سرمایه‌داری در جامعه باعث شدند که اگر شهروند جامعه تاکنون فقط یک فقیر بود، در اثر القاءات و گذاره‌های حاصل از این فرهنگ، اکنون یک فقیر شرمسار بوده و کماکان نیز شاهد فروش کتاب‌هایی با عناوین چگونه ثروتمند شویم در فرودگاه‌ها هستیم (حبیبی، ۱۶۹). لیکن با توجه به تبلیغات مبتنی بر ترویج رؤیای آمریکایی در جامعه و طی این فرآیند، شهروندان به دلیل عدم امکان نیل به اهداف و ارزش‌های مادی تعیین شده توسط جامعه، به‌رغم اخطارها و تمهید برخی بسترهای قانونی جهت محدودیت فعالیت این مؤسسات با مراجعه به مؤسسات اعتباری غیرمجاز، زمینه گسترش اقدامات مجرمانه توسط آنها را فراهم ساخته و با این اقدام، زمینه گسترش شبکه شعب این مؤسسات در سراسر کشور را مهیا کرده‌اند؛ به عبارت دیگر در این خصوص اگر شهروندان و سپرده‌گذاران، شریک جرم یا معاون جرائم مؤسسات اعتباری محسوب نگردند، از منظر بزه‌دیده‌شناسی، بزه‌دیده قابل سرزنش محسوب می‌شوند.

مواجهه شهروندان با مؤسسات اعتباری غیرمجاز براساس دانش اقتصاد رفتاری

اقتصاد رفتاری شاخه جدیدی از علم اقتصاد است که با رویکرد میان‌رشته‌ای و مبتنی بر مؤلفه‌های علمی نظیر جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و روان‌شناسی، بنیان‌های فکری اقتصاد کلاسیک را به چالش کشیده است. رفتارهای مبتنی بر رفتار دیگران و اثر یادگیری و تقلید از رفتارهای جمعی مورد پژوهش‌های متعددی قرار گرفته و مؤسسات علمی نیز در پروژه‌های خود این آموزه را به اثبات رسانده‌اند (بنیاد اقتصاد نوین^۱، ۲۰۰۵). نظریه‌هایی که به تبیین روش‌های شیوع اجتماعی تمرکز دارند به نظریات اثبات اجتماعی معروف است (کیالدینی^۲، ۱۹۹۳). به‌عنوان روان‌شناس اجتماعی با انجام آزمایش‌های میدانی به اثبات نحوه شیوع رفتارهای اجتماعی پرداخت؛ بدین نحو که همکاران او با تشکیل صفی در خیابان شروع به نگریستن به آسمان کردند و بعد از دقایقی مردم نیز به آنان

1. New Economics Foundation (NEF)

2. Cialdini

پیوستند و حتی زمانی که همکاران او صف را رها کردند نیز، مردم همچنان در صف به آسمان نگاه می‌کردند. درخصوص شیوع رفتارهای اجتماعی، آزمایش‌های دیگری نیز انجام شده است. برای نمونه، آلبرت بانورا^۱ (۱۹۹۳) نیز به‌عنوان روانشناس طی آزمایشی با پخش تصاویر حاوی کتک زدن عروسکی به نام بوبو مشاهده کرد که کودکان نیز عروسک بوبو را کتک زدند (رهبر و امیری، ۱۳۹۳). این آزمایش‌ها و آزمایش‌های مشابه متعدد دیگر که مبتنی بر علوم رفتاری انجام گردیده متضمن تبیین اهمیت شناخت علمی و پیش‌بینی رفتار شهروندان توسط سیاست‌گذار است. اهمیت این موضوع به پایه‌ای است که برخی دولت‌ها با تعریف پروژه به بررسی نقاط ضعف اخلاقی شهروندان خود می‌پردازند (لارمور و والتین^۲، ۲۰۰۱). عدم توجه به ساختار اخلاقی و بافتار فرهنگی جامعه و بی‌توجهی به مؤلفه‌های انسان‌شناسانه منجر به سیاست‌گذاری ناکارآمد و پرهزینه می‌گردد. از سوی دیگر ماهیت مؤسسات اعتباری از نقش کلاسیک خود مبتنی بر واسطه‌گری وجوه، دستخوش تحولات بنیادین شده و مؤسسات اعتباری در قامت نهادهای ارائه‌دهنده محصولات پیچیده پولی به کنش‌گری در عرصه پولی کشورها می‌پردازند؛ این در حالی است که بسیاری از شهروندان با عدم‌اطلاع از ماهیت فنی و ساختار حقوقی این مؤسسات به تعامل مالی با آن‌ها پرداخته و عملاً موجبات ریسک‌های متعدد فردی و اجتماعی می‌شوند. بسیاری بر آنند که با سپرده‌گذاری در مؤسسات، پول خود را به آن‌ها قرض می‌دهند و دولت ضامن وجوه نقد آن‌ها است؛ درحالی‌که با تعدد و تکثر عقود و قراردادهای بانکی، قرض در عمل صرفاً یکی از انواع تعاملات بانکی است و سرمایه‌گذاری در نظام بانکی نیز همانند سایر فعالیت‌های اقتصادی واجد ریسک‌های متنوعی خواهد بود.

برخلاف تصور عامه هرچند بانک‌های مرکزی وظیفه حمایتی و نظارتی بر سیستم بانکی را بر عهده دارد، لیکن این حمایت و مصون‌سازی شهروندان تابع قواعد ویژه‌ای است؛ با این توضیح که تزریق بلاوجه نقدینگی توسط بانک‌های مرکزی به مؤسسات اعتباری منجر به افزایش پایه پولی گردیده و در نهایت به مسیر تحمیل تورم منتهی خواهد شد.

به عبارت دقیق‌تر، کل جامعه مجبور و محکوم به تحمل تورمی می‌شوند که طیفی از شهروندان با مراجعه به مؤسسات اعتباری غیرمجاز آن را به جامعه تحمیل نموده‌اند.

1. Albert Banura

2. Larmor & Velatin

راهکارهای پیشگیری اجتماعی از جرائم مالی مؤسسات اعتباری

مهندسی انتخاب‌های اجتماعی و پیشگیری از جرائم مؤسسات اعتباری

سیاست‌گذاری اصولی در حوزه مدیریت پدیده‌های مجرمانه به‌خصوص در مورد جرائم پولی و بانکی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برخی رفتارشناسان بر آنند که سیاست‌گذاران می‌بایست با طراحی نظام مهندسی انتخاب و ناخوشایند نمودن ارتکاب جرم برای شهروندان، گزینه‌های آنان را در راه رسیدن به مطلوب، مهندسی نمایند (تیلور و سانستین^۱، ۲۰۰۸). با توجه به هزینه‌بر بودن مدل‌های کلاسیک مدیریت رفتار نظیر پاداش و تنبیه، برخی رفتارشناسان، نظامات مبتنی بر تلنگر را پیشنهاد می‌کنند (پوسا^۲، ۲۰۲۲). منظور از تلنگر مجموع روش‌های یادآور، جهت‌دهنده‌های غیرکیفری و روش‌های فاقد الزامات قانونی است که طی آن، جامعه هدف با انتخاب خود به‌سوی رفتار صحیح هدایت شود. آن‌ها تلنگر را نه یک الزام یا قانون بلکه یکی از گزینه‌ها برای انتخاب می‌دانند. امروزه سیستم‌های مالی نیز به تلنگر، روش‌های نرم و متدهای غیرمالی در تعامل با مشتریان خود اذعان داشته و مطالعات علمی نیز مؤید همین مطلب است. گوال و راستوگی^۳ (۲۰۲۱) مقاله‌ای با عنوان تلنگر و سیاست‌های مبتنی بر رفتارهای بانکی با ارائه نتایج پژوهش‌های متعدد به‌شرح فوق به تشریح تأثیر سازوکارهای اجتماعی در کاهش کژروی مشتریان بانک‌ها در حوزه بازپرداخت تسهیلات پرداخته است (ابراهیمی و همکاران، ۱۴۰۲). لذا، استفاده از سازوکارهای اجتماع محور در مدیریت پدیده‌های مجرمانه و نقض هنجارهای بانکی، مستظهر به مطالعات انجام شده قابل استفاده است. بر همین مبنا استفاده از سازوکارهای تبیین محور و تشریح تبعات مراجعه شهروندان به مؤسسات اعتباری فاقد مجوز و بیان تبعات ناشی از تزریق پول‌های پرفشار و بی‌پشتوانه بانک‌های مرکزی در جهت ساماندهی بحران‌های حاصل از این رفتار و تحمیل تورم گزاف به اقشار مختلف جامعه و آگاه ساختن افکار عمومی با نتایج این کژروی اجتماعی و ایجاد واحد تلنگر در نهاد ناظر پولی در راستای ایجاد ادبیات مشترک میان بانک مرکزی و شهروندان، امری ضروری است. با این توضیح که در بانک‌های مرکزی مدرن چنین واحدی عموماً به طراحی و اجرای سیاست ارتباطی مؤثر با جامعه اشتغال دارد.

1. Tailor & Sanstin

2. Possa

3. Guel & Rastogi

کاهش سرمایه اجتماعی در حوزه مسائل اقتصادی گاه از طریق روش انتقام‌گیری شهروندان از برخی اجزای اقتصاد، نمایانگر می‌شود. داده‌های حاصل از یک پژوهش حاکی از آن است که سخت‌گیری در هنگام اعطای تسهیلات بانکی، منجر به عدم بازپرداخت به‌موقع تسهیلات توسط شهروندان گردیده و نوعی انتقام اجتماعی شکل می‌گیرد (ابراهیمی و همکاران، ۱۴۰۲). کاهش اعتماد عمومی به نظام رسمی بانکداری نیز شهروندان را به بی‌اعتنایی به هشدارهای رسمی تشویق نموده و منجر به مراجعه آنان به نظام بانکداری سایه خواهد شد؛ همان‌گونه که در بحران‌های اخیر بانکی به‌رغم هشدارهای متعدد ارائه شده، این رفتار از سوی شهروندان طی بیش از یک دهه استمرار یافت.

مدیریت تبلیغات مؤسسات اعتباری

سازوکار تبلیغات و بررسی نحوه اثرگذاری آن بر اختیار انسان‌ها فرآیندی عجیب و پیچیده است. تبلیغات بانک‌ها در ابعاد مختلفی چون معرفی خدمات متنوع بانکی، معرفی قابلیت‌های جدید نظام بانکی، یا تشویق و ترغیب به سپرده‌گذاری، همگی نمونه‌هایی از تبلیغاتی هستند که شبانه روز از طریق رسانه‌های جمعی گوناگون، شهروندان را احاطه کرده‌اند. بانک‌ها به‌عنوان کارفرمایان اصلی و پرمصرف حوزه تبلیغات تجاری، عموماً به‌علت راحتی استفاده از آگهی در قالب‌های مختلفی چون تیزر تلویزیونی یا رادیویی، بیلبورد، بروشور و مانند آن‌ها، علی‌رغم هزینه‌های بسیار بالای تبلیغات، استفاده می‌کنند (جعفری هفت خوانی و چاپکی، ۱۳۸۸).

لذا مدیریت تبلیغات مؤسسات اعتباری توسط نهادهای تنظیم‌گر، امری ضروری است؛ بدین توضیح که جولان تبلیغاتی مؤسسات اعتباری و رقابت آن‌ها جهت جذب مشتری بلکه ربودن مشتری از مؤسسات رقیب و ساخت و ارائه تیزرهای تبلیغاتی پر زرق و برق و تسخیر چشم‌ها در خیابان‌ها و بزرگراه‌ها جهت ترغیب شهروندان برای سپرده‌گذاری در این مؤسسات، امری است که در صورت عدم ضابطه‌مندی و نظارت دقیق بر اجرای آن زمینه بروز اقدامات مجرمانه گسترده توسط این مؤسسات را فراهم خواهد ساخت. برای نمونه دو صندوق قرض‌الحسنه غیرمجاز در دهه ۸۰ در اصفهان ۵۰۰ هزار مشتری، جذب و بالغ بر ۶۰۰ میلیارد تومان نیز سپرده جذب کرده بودند (احمدی امویی، ۱۳۹۶).

لذا قانون‌گذار براساس تجربیات حاصل از شیوع بحران مؤسسات اعتباری در کشور و با توجه به ابعاد اجتماعی موضوع طی بند ب ماده ۳۹ قانون اخیرالتصویب بانک مرکزی با درج ضمانت اجرای

کیفری تأکید نموده "بانک مرکزی موظف است بر محتوای تبلیغات مربوط به «اشخاص تحت نظارت» دارای مجوز نظارت کند. کلیه رسانه‌ها و اشخاص حقیقی یا حقوقی متولی امور تبلیغاتی موظفند به محض ابلاغ کتبی بانک مرکزی، تبلیغات مورد نظر را متوقف نمایند...". لذا تخصیص حکم قانونی با طراحی اهرم‌های کیفری مبین آن است که سیاست‌گذار به اهمیت مدیریت تبلیغات نهادهای واسطه‌گر وجوه و تبعات افسار گسیختگی در این حوزه واقف گردیده است.

اهتمام به سازمان‌های مردم‌نهاد و سیاست جنایی مشارکتی در پیشگیری از جرائم پولی

سازمان‌های مردم‌نهاد گاه به‌عنوان نیروی کمکی حاکمیت‌ها و گاه نقطه مقابل آن‌ها فعالیت می‌نمایند (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۰). در کشور ما در قانون جدید شکلی مربوط به دادرسی کیفری، جایگاه سازمان‌های مردم‌نهاد به رسمیت شناخته شده ولی مشارکت آن‌ها در فرایند رسیدگی به صورت حداقلی است و حمایت کامل از حقوق شهروندان را به دنبال نخواهد داشت (ورویی و همکاران، ۱۳۹۵). لذا هر چند در قانون آئین دادرسی کیفری دخالت سمن‌ها در فرآیند رسیدگی به رسمیت شناخته شده لیکن با توجه به اهمیت و آثار و تبعات اجتماعی گسترده ناشی از جرائم مؤسسات اعتباری، ضروری است که نقش و جایگاه قانونی مصرح و ویژه‌ای در فرآیند مدیریت این پدیده مجرمانه برای سمن‌ها تعیین شود. به‌نحوی که با تقویت روال سوت‌زنی و نهادینه‌سازی آن در میان سمن‌ها از مراحل اولیه تکوین و تشکیل شعب مؤسسات اعتباری غیرمجاز یا شروع به تبلیغ جهت جذب سپرده با روش‌های نامتعارف، از رشد اقدامات مجرمانه این مؤسسات پیشگیری شود. از سوی دیگر، جامعه در برابر مجازات نمودن برخی جرائم واجد حساسیت کمتری بوده و همین امر موجب گردیده مجازات مندرج در متون قانونی نیز از تخفیف ویژه‌ای برخوردار باشد. برای مثال دیدگاه مسامحه‌گر قانون‌گذار منجر به اختصاص شعبی از محاکم پایتخت برای رسیدگی به پولشویی شد (حسینی و اسمعیل‌زاده، ۱۳۹۳).

ارتباط وثیق جرم مالی با کیفیت زندگی روزمره شهروندان باعث شده که سیاست‌گذاران این عرصه لاجرم به استماع صحبت‌های شهروندان در این زمینه اهمیت داده و بخشی از سیاست‌گذاری در این عرصه ناشی از شنیدن این صداست؛ لذا فعال شدن اصولی ارکان مشارکت شهروندان در این خصوص به سیاست‌گذاری علمی در این حوزه کمک می‌کند (ابراهیم پور و باهنر، ۱۳۹۵). واقعیت پدیده مجرمانه، همواره یکی از مسائل اساسی جوامع بشری در طول تاریخ بشر بوده است و پیشرفت و تکامل همه جانبه جوامع انسانی نه تنها از دامنه آن نکاسته، بلکه بر ابعاد و حجم آن

افزوده است. در چند دهه اخیر، رشد روز افزون و لجام گسیخته پدیده مذکور همراه با ظهور اشکال و حجم‌های نوین جرم و بزهکاری، بحران ناتوانی، ناکارآمدی و عدم موفقیت به کارگیری صرف ضمانت اجرای کیفری در زمینه پیشگیری از وقوع جرم و مقابله با بزهکاری و اصلاح بزهکاران و در نتیجه بروز حس بی‌اعتمادی ناامیدی و نگرش بدبینانه مردم نسبت به نظام عدالت کیفری، لزوم غلبه بر این بحران و ضرورت افزایش کارایی و تقویت عملکرد برنامه‌های سیاست جنایی و سایر عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و جرم‌شناختی باعث جلب توجه به واقعیت مشارکت جامعه مدنی در برنامه‌های سیاست جنایی و طرح و اجرای گرایش جدیدی در سیاست جنایی بر پایه مشارکت هر چه وسیع‌تر و فعال ارکان جامعه مدنی در مراحل مختلف اجرای سیاست جنایی در دیدگاه‌ها و آموزه‌های کیفری و سیاست جنایی شده است که از آن به‌عنوان "سیاست جنایی مشارکتی" نام برده می‌شود. اصولاً، ضعف اطلاع و عدم مطالبه‌گری عمومی لطامت زیادی را به منافع جامعه وارد خواهد ساخت (رستمی، ۱۳۸۴). در این‌گونه موارد نقش مطالبه‌گری عمومی در مدیریت جرائم مؤسسات اعتباری به‌صورت ویژه نمود می‌یابد. لذا نظر باینکه استفاده از ظرفیت‌های عمومی در فرآیندهای سیاست‌گذاری در نظام اسلامی مسبوق به سابقه نیز بوده و باتوجه به توضیحات فوق، نقش مردم در پیشگیری از جرائم مؤسسات اعتباری امری انکار ناپذیر است. به عبارت دقیق‌تر، در صورت عدم مشارکت توده‌های مردم در فرایند پیشگیری از جرایم مؤسسات اعتباری، مدیریت این پدیده مجرمانه غیرممکن خواهد بود. عدم وجود سازمان‌های مردم‌نهاد در آگاهی بخشی به افکار عمومی در قبال تبلیغات مؤسسات اعتباری نیز یکی از عوامل اصلی گسترش این پدیده مجرمانه محسوب می‌گردد؛ هرچند سازمان مردم‌نهادی با عنوان " دیده‌بان شفافیت و عدالت" از سال ۹۴ تأسیس گردیده و به حوزه جرائم مؤسسات اعتباری نیز ورود داشته است.

ضرورت تأسیس بانکداری اجتماعی در راستای پیشگیری از جرائم پولی

ورود مفاهیم جدید به ادبیات حوزه حقوق بانکی و بهره‌برداری از آن‌ها در راستای ایجاد ارتباط میان رشته‌ای از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ براین‌اساس استفاده از ابزارهای موجود در سبک‌های نوین بانکداری از قبیل بانکداری اجتماعی از حیث آشنا نمودن مؤسسات اعتباری با وظایف اجتماعی خود و پیشگیری جامعه‌مدار از کج‌روی آن‌ها مفید خواهد بود.

بانک‌های اجتماعی بر آنند که ابزارهای بانکی مانند حساب‌های پس‌انداز، وام و سرمایه‌گذاری را با هدف اثرگذاری مثبت بر وضعیت مردم، محیط‌زیست و فرهنگ به کار گیرند (خنوه، ۱۳۹۷). بانک

چریتی انگلستان، بانک جی ال اس آلمان، بانک نیو ریسورس آمریکا، بانک مرکور دانمارک، بانک هرمس اتریش و بسیاری از بانک‌های دیگر در سایر کشورها با اهدافی غیرانتفاعی و با عدول از نظام بانکداری سود محور متعارف به فعالیت‌های اجتماعی با درآمدهای متعارف روی آورده‌اند. به‌گونه‌ای که با در نظر گرفتن اهدافی همچون محرومیت‌زدایی از طریق ایجاد پل ارتباطی میان ثروت سرمایه‌داران و رساندن آن به مناطق و اشخاص محروم، ضمن فقر زدایی، فعالیت‌های مفید سودمند و در عین حال سودآور را نیز وجهه همت خود قرار داده‌اند. سرمایه‌گذاری این بانک‌ها در مسائل آموزشی و رفع فقر فرهنگی از نقاط محروم و عدم وام‌دهی به فعالیت‌های مخرب محیط‌زیست و تقویت صنایع منطبق با استانداردهای زیست‌محیطی از دیگر اهداف این نوع بانک‌هاست. به عبارت دیگر، مشارکت فعال شهروندان در تعیین مسیر سپرده‌های خود و ارتباط متقابل میان بانک و مشتری و محدود نشدن این روابط به موضوع اعطای سود به سپرده اشخاص و اعتماد متقابل میان بانک و مشتری از ویژگی‌های بارز بانکداری اجتماعی است.

نفس مشارکت فعال شهروندان در جهت‌دهی به سپرده‌های خود و نظارت غیرمستقیم و فعالانه در جهت‌دهی به سپرده‌ها یکی از ابزارهای مدنی و مشارکتی در راستای پیشگیری از ورود مؤسسات اعتباری به عرصه اقدامات مجرمانه است. لذا این بانک‌ها با دوری جستن از فرهنگ طمع‌ورزی سنتی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و مدیریت اقدامات ضداجتماعی مؤسسات اعتباری مبنی بر انجام تبلیغات گسترده جهت جذب سپرده، اعطای تسهیلات و کسب سود به هر قیمت که منشأ اصلی بسیاری از جرائم مؤسسات اعتباری است فصل نوینی را در این رابطه گشوده‌اند.

براین‌اساس با نهادینه‌سازی فرهنگ بانکداری اجتماعی و همسو ساختن نظام مدیریت نقدینگی کشور با اهداف بشردوستانه و مشارکت شهروندان در تعیین مسیر سپرده‌های بانکی و تأمین مالی جامعه‌محور از طریق تأسیس و گسترش بانک‌هایی از این دست می‌توان گام‌های مفید و مؤثری در جهت پیشگیری از جرائم مؤسسات اعتباری برداشت.

نقش بانکداری اخلاقی در پیشگیری اجتماعی

هرچند نقش طمع مدیران برخی مؤسسات بانکی و گرفتار شدن آن‌ها در دام وسوسه‌های مجرمانه در تکوین این قبیل جرائم امری آشکار بوده و به‌همین سبب بعضی از نویسندگان به نقش بدطینتی برخی از مدیران بانکی در شکل‌گیری این جرائم اشاره نموده و حتی کوشیده‌اند بانک و اخلاق را دو مفهوم متناقض جلوه دهند (میرابوطالی، ۱۳۹۲)، لیکن توجه به نقش اخلاقیات در کاهش زمینه‌های ارتکاب جرم و کارویژه مؤلفه‌های اخلاقی در مدیریت کنش‌های فردی و اجتماعی اشخاص و لزوم

پیوند دو مفهوم متناقض نمای بانک و اخلاق، اهمیت ورود موازین اخلاقی به عرصه بانکی از حیث پیشگیری از کژروی‌های مؤسسات اعتباری را پدیدار ساخته است.

ورود بانکداری اخلاقی و پیوند اخلاق با مفهوم و کارکرد مؤسسات اعتباری فی‌نفسه باعث می‌شود که این مؤسسات به مقوله‌ای غیر از منفعت مادی نیز بیندیشند و جایی برای مفاهیم اخلاقی در ساختار خود بیابند و همین امر و اندیشیدن به منافع جامعه به‌جای تمرکز صرف بر کسب سود، منجر به ایجاد تعادل در تعاملات بانکی با شهروندان گردیده و موجبات پیشگیری از کژروی این مؤسسات را فراهم می‌سازد.

از منظر کلی با توجه به بروز مشکلات و معضلات گوناگون در عرصه تبیین، انجام مؤلفه‌های جلوگیری از جرم نیز بدون توجه به استانداردهای انسان‌شناسی ممکن نیست طبایع انسانی و شناخت آن برای اجرای برنامه‌های پیشگیرانه مهم است (علی‌وردی نیا و حسنی، ۱۳۹۲)

بدین‌سان عبارت بانکداری اخلاقی در سنوات اخیر به ادبیات بانکداری نوین وارد شده است؛ ایجاد آشتی میان دو مفهوم بانک و اخلاق، هدف غائی بانکداری اخلاقی است. رعایت استانداردهای اخلاقی و تأثیر پایبندی به اخلاق بر تأمین مؤلفه‌های مشتری‌مداری و جذب مشتری، نظر بانکداران دنیا را جلب نموده، براین‌اساس تأسیس بانک‌های اخلاقی در سنوات اخیر رواج یافته است. اداره بانک بر مبنای اخلاق بدین معناست که در کنار استانداردهای پولی ضوابط اخلاقی نیز مهم باشد (آقاجانی و محمدعلی، ۱۳۹۲)

این رشته از بانکداری در زمره محصولات نوین عرصه بانکداری محسوب می‌گردد. در تعریف بانکداری اخلاقی می‌توان گفت مدلی از بانکداری است که در کنار کسب سود به سایر ابعاد انسانی و اخلاقی و جامعه‌ی نیز توجه دارد تا ضمن کسب منفعت، حقوق اشخاص نیز حفظ شود. آلیانس بانک آمریکا، بانک تعاونی انگلستان، گرامین بانک بنگلادش، می‌بانک مالزی، تریودوس بانک هلند، بنکاتیکا در ایتالیا و تعداد زیادی از مؤسسات اعتباری اخلاقی، نمونه‌های متعددی از بانکداری اخلاقی در دنیا محسوب می‌شود.

برای مثال گرامین بانک بنگلادش توسط شخصی به‌نام محمد یونس جهت بهبود وضع اسفناک زنان روستائی که مورد استثمار رباخواران قرار گرفته بودند تأسیس شده است (عیوضلو و قلیچ، ۱۳۹۳). این بانک، نمونه موفق از بانکداری اخلاقی است که ضمن پایبندی به تعهدات اخلاقی نسبت به مقابله عملی با جرم رباخواری نیز اقدام نموده است. با استناد به مفهوم مخالف تعریف بانکداری اخلاقی، مختصات بانکداری متعارف نیز تا حدودی روشن می‌گردد؛ بانکداری متعارف در

حال حاضر در بسیاری از موارد بدون توجه به مصالح جامعه و مفاهیم اخلاقی چون فقرزدائی و رفع شکاف طبقاتی اقدام به واسطه‌گری وجوه می‌نماید، به‌نحوی که در برخی اوقات ممکن است به گسترش فقر و شکاف طبقاتی نیز منجر گردد. عدم‌توجه به موازین اخلاقی، برخی از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری را به‌سوی اقدامات مجرمانه و متخلفانه و نقض هنجارهای قانونی در جهت جذب هرچه بیشتر سپرده‌ها می‌کشاند. کسب سود بیشتر به هر قیمت، مسأله دیگری است که مؤسسات مالی را به نقض حریم‌های اخلاق و قانون ترغیب نموده و موجبات ایجاد بحران‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و قضائی را فراهم می‌سازد؛ این در حالی است که با فراگیر شدن مفاهیم بانکداری اخلاقی و تأسیس بانک‌هایی از این دست، هم سپرده‌گذاران اطمینان می‌یابند که دارائی آن‌ها در مسیرهای اخلاقی و عام‌المنفعه سرمایه‌گذاری شده و هم بانک‌ها براساس موازین و استانداردهای اخلاقی مکلف می‌شوند که سرمایه مشتریان و سپرده‌های مردم را در مسیرهای منتهی به مصالح اجتماعی و منافع مادی و معنوی به جریان بیندازند.

شایان ذکر است در حال حاضر در کشور ما بانک‌ها حتی برای تراکنش‌های واریز وجه به مؤسسات خیریه نیز کارمزد دریافت می‌کنند؛ این در حالی است که بانک‌های مرکزی به‌عنوان سیاست‌گذار حوزه پولی و بانکی می‌توانند ضوابط ناظر بر نحوه تأسیس بانک‌ها و مؤسسات اعتباری را به‌گونه‌ای تدوین نمایند که با توسعه و فراگیر شدن بانکداری اخلاقی، در عمل زمینه و انگیزه‌های مؤسسات اعتباری برای ارتکاب جرائم مرتبط با تضييع حقوق سپرده‌گذاران کاهش یابد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

بی‌توجهی اقشار مختلف جامعه، سهل‌انگاری طیف وسیعی از شهروندان و اعتماد بی‌پایه آنان به مؤسسات اعتباری غیرمجاز در شکل‌گیری بحران مؤسسات اعتباری در کشور به میزانی بود که برخی از مؤسسات موصوف با سرمایه ۶ میلیون تومان موفق به جذب چند هزار سپرده‌گذار و تشکیل شبکه گسترده شعب خود در کشور شدند.

تحلیل رفتارهای جامعه براساس موازین جرم‌شناسی و قواعد جامعه‌شناسانه و بررسی نقش شهروندان در پیشگیری از جرائم حوزه پولی و بانکی براساس مؤلفه‌های اقتصاد رفتاری حائز اهمیت است؛ صرف‌نظر از نقش نقض هنجارهای بانکی توسط نهادهای حاکمیتی و تأثیر آن در قبح‌زدائی، شیوع و ترویج این ناهنجاری‌ها در جامعه، جذب شدن شهروندان به تبلیغات مؤسسات اعتباری غیرمجاز و بی‌توجهی طیف گسترده‌ای از آنان به هشدارهای نهادهای حاکمیتی براساس مدل‌های

اقتصاد رفتاری قابل تحلیل است؛ به عبارت دیگر، پیشگیری از این کژروی‌ها نیز براساس مدل‌های مهندسی انتخاب‌های اجتماعی قابل ارائه است.

مطابق موازین علم سیاست‌گذاری، بر سیاست‌گذار لازم است که ادبیات مشترک میان نهاد ناظر پولی با شهروندان ایجاد نماید. تبیین عواقب رفتارهای مبتنی بر نقض هنجارها در حوزه مدیریت نقدینگی‌های شخصی و تشریح آثار بی‌توجهی به تبعات تورمی ناشی از اختصاص خطوط اعتباری و تزریق پول پر قدرت بانک مرکزی و بیان سایر آثار اجتماعی و امنیتی این جرائم نیز از الزامات سیاست‌گذاری اصولی در این حوزه است.

از سوی دیگر سیاست‌گذار می‌تواند براساس مدل‌های مهندسی انتخاب‌های اجتماعی و بر مبنای روش‌های نرم و غیر الزام‌آور نظیر تلنگرهای اجتماعی در قالب تشریح تأثیرات این جرائم بر تشدید و تعمیق فقر و افزایش فشارهای تورمی بر اقشار ضعیف جامعه، شهروندان را در مسیر انتخاب سازوکارهای صحیح تعامل با مؤسسات و نهادهای واسطه‌گر وجوه یاری نماید.

نهاد ناظر پولی نیز با نظارت دقیق و فنی بر عملیات بانکی این مؤسسات ضمن جلوگیری از کاهش سرمایه اجتماعی در این حوزه از ایجاد و گسترش حس انتقام اجتماعی در این عرصه پیشگیری نماید.

گسترش نظام بانکداری اخلاق‌مدار و اجتماع محور نیز از طریق بهبود روابط و تعاملات شهروندان با نظام رسمی بانکداری در کشور ضمن پیشگیری از کژروی بانک‌ها، موجبات کاهش مراجعات شهروندان به نظام بانکداری سایه را فراهم خواهد ساخت.

منابع و مأخذ

الف. فارسی

- ابراهیم پور، حبیب و باهنر، فاطمه. (۱۳۹۵). *نقش مطالبه‌گری مردم در تحقق حکمرانی خوب*. دومین کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت در هزاره سوم، رشت.
- ابراهیمی، سید احمد؛ عرفانی، علیرضا و اسحاقی، مجید. (۱۴۰۲). *تلنگر و سیاست‌های مبتنی بر رفتار، ابزاری توانمند در کاهش مطالبات بانکی*. نشریه سیاست‌های مالی و اقتصادی. ۱۱(۴۲)، ۹۱-۱۳۵.
- احمدی امویی، بهمن. (۱۳۹۶). *اقتصاد سیاسی صندوق‌های قرض‌الحسنه و مؤسسات اعتباری*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.

- آقاجانی، معصومه و آقاجانی، محمدعلی. (۱۳۹۲). *بانکداری اخلاقی و بانکداری اسلامی*. نخستین کنفرانس ملی توسعه مدیریت پولی و بانکی، تهران.
- الهی منش، محمدرضا و تقی‌زاده، محرم. (۱۳۹۷). *سیاست عوام‌گرایانه در مبارزه با جرایم اقتصادی با تأکید بر نقش پلیس*. نشریه کارآگاه، ۱۱(۴۳)، ۱۴۳-۱۲۰.
- امین مظفر، فاروق؛ امیری میاندوآب، شهریار؛ عباس‌زاده، محمد و علیزاده اقدم، محمدباقر. (۱۳۹۴). *مطالعه سیاست زدگی مدیران نظام آموزش عالی با رویکرد کیفی*. پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر. ۷(۴)، ۱۲۹-۱۵۸.
- باوی، علیرضا؛ گلدوست جویباری، رجب و غلامی، حسین. (۱۳۹۹). *آسیب‌شناسی سیاست کیفری ایران در حوزه جرایم اقتصادی*. تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری (دانشنامه حقوق و سیاست)، ۱۶(۴۳)، ۳۲-۱۱.
- بچر، ژان لوک و کلوز، نیکلا. (۱۳۸۶). *جرم اقتصادی و کنترل آن*. ترجمه: شهرام ابراهیمی، مجله حقوقی دادگستری، ۴(۶۱)، ۱۴۸-۱۳۳.
- تقی پور، علیرضا. (۱۳۹۳). *پیشگیری غیر کیفری از جرم در نهج البلاغه*. فصل‌نامه پژوهش‌نامه نهج البلاغه. ۲(۵)، ۱۴۰-۱۲۵.
- جعفری هفت‌خوانی، نادر و چابکی، رامین. (۱۳۸۸). *سیاست‌گذاری تبلیغات تجاری در جمهوری اسلامی ایران (چالش‌ها و فرصت‌های تبلیغات بانکی)*. نامه فرهنگ و ارتباطات، ۱، ۳۰-۵.
- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی و سلیمی، احسان. (۱۳۹۸). *مبانی، اصول و سازوکارهای اجرایی مدل کیفرگذاری هدفمند*. پژوهش حقوق کیفری. سال هشتم، ۸(۲۹)، ۱۳۴-۱۰۱.
- حبیبی، علی. (۱۳۹۷). *پایان عصر کیمیاگری (پول، بانکداری و آینده اقتصاد جهانی)*. ترجمه اثر مروین کینگ، چاپ اول، تهران: دنیای اقتصاد.
- حسینی، سید حسین و اسمعیل‌زاده، لیدا. (۱۳۹۳). *جنبه‌های عوام‌گرای سیاست کیفری ایران در قبال فساد اقتصادی*. فصل‌نامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۴(۵۴)، ۳۰۱-۲۲۶.
- خنوه، نوید. (۱۳۹۷). *بانک‌های اجتماعی و آینده تأمین پایدار مالی*. ترجمه اثر اولاف وبر، اسمون ریمر، تهران: انتشارات رسا.
- سلیمی، صادق. (۱۳۸۷). *مجرمین یقه سفید و سیاست کیفری ایران*. فصل‌نامه حقوق، ۳۸(۴)، ۲۵۴-۲۳۹.

- شاطری پور اصفهانی و نجفی توانا، علی. (۱۳۹۵). *تأثیر بحران هویت بر پیشگیری اجتماعی از جرم*. پژوهش‌نامه حقوق کیفری، ۷(۲)، ۱۷۶-۱۵۷.
- صادقی، محمدرضا؛ دانایی فرد، حسن و مصطفی‌زاده، معصومه. (۱۳۹۶). *فهم سیاست‌زدگی بوروکراسی: مطالعه تطبیقی کیفیت، فرایندها و پیامدهای آن در مدیریت دولتی*. فصل‌نامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۶(۲۲)، ۹۸-۱۱۵.
- صبحدل، محمد. (۱۳۹۶). *جایگاه حقوقی قوه قضاییه در پیشگیری اجتماعی*. فصل‌نامه علمی-حقوقی قانون‌یار، ۱(۴)، ۱۰۸-۹۳.
- رستمی، ولی. (۱۳۸۴). *سیاست جنایی مشارکتی در جمهوری اسلامی ایران*. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تهران.
- رضوانی قوام آبادی، محمدحسین. (۱۳۹۰). *پیشگیری و سرکوب جرایم زیست محیطی در پرتو اقدامات سازمان‌های غیر دولتی در نظام حقوقی ایران*. مجله حقوقی دادگستری، ۷۵(۷۵)، ۲۲۵-۱۹۹.
- رهبر، فرهاد و امیری، میثم. (۱۳۹۳). *اقتصاد رفتاری و سیاست‌گذاری عمومی*. نشریه برنامه‌ریزی و بودجه، ۱۹(۴)، ۱۸۲-۱۴۷.
- زمانی، علی اکبر و بایار، عبدالرضا. (۱۳۹۱). *نقش پیشگیری اجتماعی در کاهش جرایم و مفاسد کلان اقتصادی*. فصل‌نامه انتظام اجتماعی، ۴(۴)، ۱۶۳-۱۳۳.
- علی‌پوردی نیا، اکبر. حسنی، محمدرضا. (۱۳۹۲). *نقش عواطف اخلاقی در پیشگیری از بروز جرم*. فصل‌نامه علمی کارآگاه، ۶(۲۴)، ۳۰-۹.
- عیوضلو، حسین و قلیچ، وهاب. (۱۳۹۳). *بانکداری اخلاقی با رویکرد اسلامی*. تهران: انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- قماش، سعید و عارفی، مرتضی. (۱۳۹۶). *موانع سیاسی و اقتصادی پیشگیری از جرم*. مجله آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۴(۱۳)، ۸۵-۱۱۴.
- فرهمنده، محمدرضا. (۱۴۰۳). *تحلیل سازوکارهای کیفری قانون بانک مرکزی*. مقالات سی و یکمین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی، پژوهشکده پولی و بانکی.
- قورچی بیگی، مجید و نیازپور، امیرحسین. (۱۳۹۷). *راهبردهای کیفری تا حقوق دهی به جرایم اقتصادی (از پاسخ تنظیمی اقتصادی، سیاست جنایی ایران در برابر بزهکاری اقتصادی)*. تهران: انتشارات میزان.

قهرمانی افشار، نیوشا؛ خسروشاهی، قدرت اله و شادمانفر، محمدرضا. (۱۳۹۵). *پیشگیری رتسدمدار؛ بررسی فقهی و حقوقی (ایران و انگلستان)*. فصل نامه علمی - پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۹(۲)، ۶۷-۹۰.

میرابوطالبی، سیدامیرحسین. (۱۳۹۲). *اخلاق تولید پول*. ترجمه اثر یورگ گوئیدو هولسمن، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.

نجفی، سینا. (۱۳۹۸). *رویکرد قانون مجازات اسلامی به فساد اقتصادی در نظام پولی و بانکی کشور*. مطالعات نوین بانکی، ۲(۴)، ۴۱-۷۴.

وروابی، اکبر؛ محمدی، همت و نوریان، ایوب. (۱۳۹۵). *مشارکت سازمان های مردم نهاد در فرایند کیفری*. فصل نامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۱۲(۲۸)، ۲۷-۴۳.

ب. انگلیسی

Dawnay, E., & Shah, H. (2005). *Behavioural Economics: Seven Principles for Policy-Makers*. New Economics Foundation, Volume 1 of Theoretical new economics, Retrieved from <https://neweconomics.org/2005/07/behavioural-economics>

Larmore, C., & Sayre-McCord, G. (2001). *Weakness of Will and Public Policy: An Liberal Approach*. Ethics, 111(3), 502-521.